

داستان این سریال درباره چیست؟

# قورباغه؛ زشت، بدترکیب و البته خفن نما!



یمان عبدلی

اصلا در این یادداشت با این جنس نقدی که کارهای هومن سیدی را کبی کارانه و کلاژی می‌داند کاری ندارم، یعنی تلاش می‌کنم در این کلمات پیش رو تکیه یادداشت بر معنای فضا و مجازی نباشد، نه که آن‌ها همه باطل و هومن سیدی حق باشد، نه اساسا این که ضعف‌های عمد و بنیادین «قورباغه» را در حد کبی موسیقی متن، از سریال «ارک» و مشکلاکتی در این حد پایین بیآوریم، اتفاقا تلفظ بزگر در حق هومن سیدی است، مشکلات «قورباغه» کاش محدود به همین‌ها بود!

برای تماشای یک داستان دنباله دار و برای ادامه دانش، دو مولفه اساسی، یکی داستان است و دیگری آدم‌های داستان، یعنی به زبان ساده، یا باید جذاب داستان شویم و بیج و خم‌های آن ما را به دنبال خودش بکشد و یا اگر داستان کم‌و خفیف است، حداقل کاراکتری در داستان باشد که مجذوبش شویم، همدان پنداری

کنیم و فکر کنیم این خود مایا بخش‌هایی از ماست و با دغدغه‌هایش همراه شویم. حالا اگر دنباله‌داری هر دوی این‌ها را داشته باشد که خوب، چه بهتر! قورباغه اما هر دو را بهم نداد!

فرض کنید، کسی بیاید از شمالی که «قورباغه» را تماشا کرده‌اید، بپرسد، داستان این سریال درباره چیست؟ چه دارید و داریم که بگوییم؟ ماجرای یک پخش کننده مواد مخدر؟ ماجرای رفیق قدیمی آن پخش کننده مواد مخدر؟ همین؟ بله، همین! دقیقا همین چند کلمه و «قورباغه» بیشتر از این نیست. موقعیت‌های منفک و جدا از هم که به زور کنار هم چسبانده شده و هیچ چیزی را جلوی نمی‌برد. داستان نه در عمق می‌رود و نه در طول حرکت می‌کند، یک داستان کاملاً عریانی! دائما پخش می‌شود و بدون هیچ انسجامی گسترش پیدا می‌کند، بعد از تماشای ۱۱ قسمت، با سریالی مواجهم که پهن شده و هیچ داستانی به شمار آن نمانده است.

شخصیت‌ها هیچ‌کدام به اندازه پرداخت نشده و معلوم نیست ما قرار است داستان کدام این‌ها را دنبال کنیم؟

**فرض کنید، کسی بیاید از شما می‌گوید که «قورباغه» را تماشا کرده‌اید، بپرسد، داستان این سریال درباره چیست؟ چه دارید و داریم که بگوییم؟ ماجرای یک پخش کننده مواد مخدر؟ ماجرای رفیق قدیمی آن پخش کننده مواد مخدر؟ همین؟ بله، همین! دقیقا همین چند کلمه و «قورباغه» بیشتر از این نیست**

رامین؟ پسرکی با عقده‌های فروخته، بلند پرواز و طماع، منفعت طلب و علاف! نوری؟ پسرک دست و پا چلفتی و البته در عین حال بی‌رحم، که انتقام مادرش را به فجیع ترین شکل از پدرش می‌گیرد و بعد برای خودش دار و دسته راه می‌اندازد! موقعیت‌ها گاهی درباره رامین است، گاهی درباره نوری، گاهی درباره هر دو و عجیب آن که غالباً درباره هیچ‌کدام هم

نیست. خب الان مایا باید ماجراهای نوری مواجه شویم که به شکلی تصادفی با یک متاع کمیاب مواجه شده و به «قدرت» رسیده؟ یا اصلا ماجرا، ماجرای رامین است که می‌خواهد به هر شکلی پیشرفت کند؟ اصلا هسته مرکزی داستان، حول مفهوم «قدرت» شکل گرفته؟ یا که چی؟ این «که چی» البته حین تماشای «قورباغه» دائم در ذهن می‌چرخد و تماما با خودت می‌گویی: «خب که چی؟»، هیچ مضمونی تبدیل به داستان نشده، هیچ داستانی پرداخت نشده، انگار با هیچ داستانی‌های پراکنده کارگردانی مواجهم که آثار زیادی دیده و حالا فرصتی دارد که این دوست‌داشتنی‌ها را در یک سلسله موقعیت‌های نه چندان مرتبط کنار هم بیاورد، یعنی مثلا اگر قرار است جهانی خلق کنیم که مخاطب را تحت تاثیر قرار بدهد و هیجان و تعلیق را با هم داشته باشد، با دست به دست کردن «انگشت بریده» چنین چیزی حاصل نمی‌شود؛ همان «دارک» معروف اگر در ایجاد تعلیق موفق است، به خاطر تکیه به یک باور اساطیری و تکیه به مفهوم مناقشه برانگیز «زمان» در سیر تفکر آلمانی است. در آن جغرافیا مفهوم «زمان» یک پیشینه و سابقه‌ای دارد که داستان پر دازی درباره برای آن مخاطب را قفلک می‌دهد.

آکسوری، دو کپاز و میز آنسن همه ابزاری است که در نهایت نوشته‌های روی کاغذ را پر داخت می‌کنند. وقتی روی کاغذ چیز قابل توجهی نوشته نشده، واضح است که اتفاقی که باید، نمی‌افتد. از قسمت چهار تا قسمت ۱۰، دائما یک «انگشت بریده» دست به دست می‌شود، «خب که چی؟» توسط به رنگ‌های سرد، خاکستری و طوسی در خانه نوری، میز آنسن‌های خلوت، حتی تن صدای نوری، و تلاش برای اجرای یک کاراکتر به اصطلاح رونگر، تبدیل به مضحکه‌ای شده که جدا تماشایش دشوار است. این

که شکل و فرم بازی نوید محمدزاده متفاوت شده، خب ذاتا جسورانه است اما این محصولی که مایا بینیم، حقیقتا دلمان را برای همان عصبيت تنگ کرده! انگار یک موجود ناقص الخلقه و الکن و معذب را جلوی دوربین گذاشته‌اند، درونگرایی را با چلفت بودن اشتباه گرفته‌اند، اصلا چگونه چنین موجودی به این حد قدرت رسیده؟ منطق روایی داستان کجاست؟

بدتر آن که برای این جهان ابتر، برای این آدم‌های الکن بخواهی فلسفه ببافی، آن هم با دیالوگ‌هایی که به درد کپشن‌های اینستاگرامی نوجوان‌پسند می‌خورد و ردی از زندگی و واقعیت و حتی فانتزی در آن نیست، بسیاری از نریشن‌های رامین، عملا چیز تازه‌ای درباره او به ما نمی‌گویند. حتی در حد هدیان‌های یک ذهن مالیخولیایی هم نیست! که هدیان هم منطق و زیبایی شناسی خودش را دارد. جنس دیالوگ‌ها هم همگن با جنس بازی‌ها، طراحی شخصیت‌ها و جهان کلی کار است، هیچ چیزی به شما نمی‌دهد. منظوم و محتوا و پیام و این چیز هانیست که اساسا جای موعظه و پیام جای دیگری است، اما دیالوگ‌های قورباغه فقط به قصد «ریتیم» نوشته شده، نه به پرداخت شخصیت کمک می‌کند و نه حرکت دارد.

حرفای جدید می‌زنی؟  
حرفای قدیمی رو جدید می‌زنی!  
همین دیالوگ‌ها که در قسمت هفتم می‌شنویم، تعمیم بدهید به کلیت سریال، همه‌اش همین گونه پینگ پنگی و بدون کار کرد، طبعاً دهی از این قسم دیالوگ‌ها خوششان می‌آید، نوعی حاضر جوابی و عصبيت دارد که با حال و روز جامعه منطبق است، اما این که چقدر اصولی و منطقی است؟ تقریباً هیچ‌اخر طبیعتاً چنین مختصاتی توقع ندارید که رابطه‌ای ساخته شود، انگیزه‌های در بیاید و

## داستان نه در عمق می‌رود و نه در طول حرکت می‌کند، یک داستان کاملاً عریانی! دائما پخش می‌شود و بدون هیچ انسجامی گسترش پیدا می‌کند، بعد از تماشای ۱۱ قسمت، با سریالی مواجهم که پهن شده و هیچ داستانی به شمار آن نمانده است

چیزی جان بگیرد و با تحول شخصیتی رخ بدهد، باز هم یک قیاس مع الفارق دیگر، سریال «بهتره با سائل تماس بگیر» که یک اسپین آف از سریال «بر کینگ بد» است نمونه‌ی متعالی دیالوگ‌نویسی و پرداخت روابط است؛ در دو فصل اول این سریال عملاً هیچ اتفاق خارق العاده‌ای نمی‌افتد و ظاهراً با اتفاقات معمولی یک سری آدم‌های معمولی مواجهم، اما انقدر همه چیز در جزئیات و ظرافت پرداخت شده که دائما چسب‌دار و تک‌تک جملات به شناخت منجر می‌شود.

«قورباغه» اما باور نکرده که زیبایی باید در نگاه تو باشد، نه در چشمان تو (عمداً به یک کلیشه‌ار جاع دادم، در سطح دیالوگ‌های سریال)، همه چیز را و تیرنی و الصاقی می‌خواهد، برای همین هم سطحی و ابکی است، بله گاهی «دل» را داریم که از پوست‌ت تا قسمت آخرش ابتدال را فریادی زنده و گاهی هم «قورباغه» ادا ریم که در نگاه اول جدی، موقر و قابل توجه به نظر می‌رسد، اما ابتدالش پنهان و دیر یاب تر است، نه این که مبتدل نباشد، اتفاقاً این جنس ابتدال پیچیده تر و چه بسا خطرناک تر باشد، یک کار معمولی بینیم و گمان کنیم یک اثر «هنری» دیده‌ایم، یک کار معمولی بسازیم و گمان کنیم «خفنیم»!

## تئاتر

### عمارت نوفل لوشاتو حامی کارگردانان جوان می‌شود



عمارت نوفل لوشاتو که اخیراً بنای خود را از انتقال داده است، در نظر دارد سانس ویژه‌ای به اجرای نمایش کارگردانان و گروه‌های جوان تئاتر اختصاص دهد. البته مجموعه نوفل لوشاتو با برپایی جشنواره‌هایی چون «فرا» نیز شرایط معرفی گروه‌ها و هنرمندان جوان را مهیا کرده است. داود نامور، مدیر مجموعه نمایشی نوفل لوشاتو این بر نامه را «در جهت حرکت منسجم و یکپارچه و با در نظر گرفتن چشم‌انداز تئاتر در سال‌های پیش‌رو» توصیف کرده است و اذعان داشته بر نامه‌های مجموعه‌اش در این سال‌ها شامل «کارگاه‌های تخصصی، برگزاری جشنواره‌های ویژه دانشجویی و اختصاص اجرا به جوانان تازه‌وارد» بوده است.

حالا داود نامور مدعی شده است اختصاص یک سانس به آثار گروه‌های جوان «بدون دریافت هزینه و صرفاً به صورت حمایتی، در جهت رسیدن به روزهای طلایی‌تر تئاتر» است. در سال‌های اخیر مهمترین مانع در تولید تئاتر، هزینه سال‌های اجرا سالن در تهران بوده است. به طور متوسط یک گروه آماتوری برای اجرا مجبور است سی در صد از قیمت صندلی‌های هر اجرا را به صاحب سالن بپردازد. بخش مهمی از اجراهای تئاتر در تهران بدون در نظر گرفتن مشارکت سالن در سود گیشه، روی صحنه می‌روند که عموماً به دلایل مختلف با شکست همراه بوده‌اند. حال نامور گفته است این طرح «برای رسیدن به یک حرکت ماندگار و حرفه‌ای در تئاتر» و حمایت از ایده‌ها و استعداد‌های جوان طراحی شده است، طرحی که می‌تواند با تسری به دیگر سالن‌های شخصی در تهران، در وضعیت کنونی و تسلیلی یک ساله سالن‌ها، بدنه جوان تئاتر را احیا کند.

## گردشگری

وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خبر داد:  
**تدوین سند گردشگری آبی در ایران**



وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری از تدوین سند گردشگری آبی در ایران خبر داد و گفت: برای اولین بار محدودیت و ممنوعیت استفاده گردشگری از دریاچه‌ها برداشته شد و قرار است در اطراف سد‌ها با رعایت ملاحظات زیست محیطی و کنترل‌های کمی و کیفی آب، زیرساخت‌های گردشگری ایجاد شود. به گزارش ایرنا، صفر مونسان عنوان کرد: سرمایه‌گذاری برای احداث تاسیسات گردشگری در این فضاها به مزایه گذاشته شده و از تابستان ۱۴۰۰ به مرور این طرح‌ها به بهره‌برداری می‌رسند و هموطنان می‌توانند از این ظرفیت بزرگ طبیعی برای گردشگری استفاده کنند که البته اشتغالزایی قابل ملاحظه‌ای نیز دارد.

### بخشنامه مسترد نشدن پول به مسافران صحت ندارد

معاون گردشگری وزارت میراث فرهنگی، اظهار کرد: بخشنامه‌ای از سوی معاونت گردشگری و ادارات کل استانی به دفاتر مسافرتی با این مضمون که اگر مسافری تور و یا بلیتی خریداری کرده و به دلیل شرایط حد کرونا ممنوعیتی اعمال و سفرها لغو شد، پول مسافر عودت نشود، صادر نشده است. ولی تیموری صحت چنین خبری که در شبکه‌های مجازی منتشر شده را تکذیب کرد و افزود: تنها یکی از استان‌ها چنین بخشنامه‌ای را صادر کرده بود که فوراً از سوی مابطل شد و چنین خبری که بخشنامه سراسری ابلاغ شده، صحت ندارد.

که بین سال‌های ۸۶ تا ۹۶ نوشته شده‌اند. این قصه‌ها را بارها در این سال‌ها باز نویسی کرده‌ام. بارها از شان فیلم‌نامه اقتباس کرده‌ام. بارها تلاش کرده‌ام تا تبدیل شان کنم به نمایشنامه یا متن بازی ویدیویی و نتیجه‌ی تمام این تلاش‌ها، انبار شدن نسخه‌های متعددی از این قصه‌ها در هاردها و چرک‌نویس هادر که مدتها، بالاخره سال ۹۷ مطمئن شدم که بهترین مدل برای روایت این قصه‌ها، چاپ‌شان به صورت مجموعه‌ی داستان کوتاه است؛ همانطور که از ابتدای دهه‌ها شده بودند!

همه‌ی این قصه‌ها (که از نام‌هایشان پیداست) تلاش‌هایی‌اند برای در آمیختن عناصری از رئالیسم جادویی با فانتزی‌های شهری؛ گاهی حامل رگه‌هایی از ادبیات گمانه‌زن و گاهی... نمی‌دانم! در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

سرهنگ سه مدل «راست می‌گه» داشت. راست می‌گه‌ی، «خب دیگه دست از سرم بردارید می‌خوام به کارم برسیم». راست می‌گه‌ی، «زیر می‌زنه ولی خب چیکار کنیم دیگه آخر پیری هم صحبت این نادوناشدیم!» و راست می‌گه‌ی، «دروغ می‌گه!»

مجموعه داستان «کرج حمله می‌کند!» در ۸۸ صفحه و قیمت ۲۵۰۰۰ تومان در دسترس عموم علاقه‌مندان کتاب قرار گرفته است.



زیست ایلیاتی است. اثری پر از خرده روایت‌های میخ‌کوب‌کننده و حیرت‌انگیز. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: پری دخت ساکت و خاموش به دنیا آمد. بی‌گریه‌ای از سر فراق از زهدان مادر و پا گذاشتن به دنیایی که ریج بردن علت خلقت آن بود. کتاب «سونات لال» در ۱۰۴ صفحه و قیمت ۲۵۰۰۰ تومان در دسترس عموم علاقه‌مندان کتاب قرار گرفته است.

کتاب دیگر این مجموعه «کرج حمله می‌کند!» نوشته‌ی متین ایزدی است. متین ایزدی درباره‌ی این مجموعه داستان می‌گوید: «کرج حمله می‌کند!» یکی از پنج قصه‌ی مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است.

فراوان روبه‌رو می‌شود و روایت خونسر دانه‌ی بهرامی توانسته است به عینی‌ترین شکل ممکن تمام این فراز و فرودهای گاه خشن و گاه لطیف را به روی کاغذ بیاورد. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: شترها شبیه‌ای را پاب‌اند. هر چه روزگار سخت‌تر باشد ارباب سخت‌گیر تر می‌شود و نم و نان پس نمی‌دهد.

کتاب «شانه بر شن» در ۲۲۴ صفحه و قیمت ۴۴۰۰۰ تومان در دسترس عموم علاقه‌مندان کتاب قرار گرفته است.

دیگر کتاب این مجموعه «سونات لال» نوشته‌ی میترا معینی است.

رمان «سونات لال» حکایت‌های جذاب برآمده از ترس‌ها و امیدهای مردان و زنان ایلیاتی را دستمایه قرار می‌دهد و آن‌ها را با روایت قیام‌عشایر جنوب در دوران جنگ جهانی اول پیوند می‌دهد. این رمان کوتاه در قالب مرور روز زندگی شخصیت اصلی داستان، زوال زیست‌عشایری در ایران امروز می‌کند. میترا معینی که پیش از این دو مجموعه داستان منتشر کرده بود، در بعضی از داستان‌های کوتاه‌اش نشان داده بود که دستنی‌قوی در نوشتن از فراز و فرودهای زیست‌عشایری و به ویژه عشایر قشقای دارد. «سونات لال» گامی محکم در مسیر نوشتن داستان مدرن بر پایه‌ی

بیش از ۳۰۰ آژانس در مشهد و رشکست شده‌اند. میلانی نژاد در خصوص آسیب‌های وارد شده به راهنمایان گردشگری گفت که مشکلات راهنمایان گردشگری از زمان هدف قرار دادن هواپیمای اوکراینی آبا موشک‌های سپاه پاسداران آغاز شد. وی افزود: حتی آژانس‌هایی که بلیت مسیریهای

## انتشار آثاری از میترا معینی، مهدی بهرامی، لیلیا صبحی و متین ایزدی:

### از سونات لال تا کرج حمله می‌کند!

و جذاب برای ارائه‌ی بهتر قصه‌اش به مخاطب پیدا کند، در زمان جدید نسبیّت موقعیت دو خواهر به هم وابسته را با بهره‌گیری از قوانین فیزیکی ساختارمند کرده است. این کتاب به نوعی در راستای دورمان قبلی صبحی محسوب می‌شوند. در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: عادل می‌گفت درخت گردونگهبان دارد. اگر کسی شب زیر درخت گردو بخوابد، نگهبان درخت آزارش می‌دهد و حتی ممکن است خفه‌اش کند.

کتاب «نیوتن زیر درخت گردو» در ۲۹۶ صفحه و قیمت ۵۹۰۰۰ تومان در دسترس عموم علاقه‌مندان کتاب قرار گرفته است.

امارمان بعدی «شانه بر شن» نوشته‌ی مهدی بهرامی است.

این رمان روایت جان‌به‌در بردن از خشم متعصبان است. زندگی را حیل و هارون، قهرمانان دوروایت موازی رمان مهدی بهرامی، در شرایطی که نام‌نی و شورش کشور خیالی‌ای که رمان در آن رخ می‌دهد را در بر گرفته است، با فرآیندهای

چهار کتاب «نیوتن زیر درخت گردو»، «شانه بر شن»، «سونات لال» و «کرج حمله می‌کند!» از سوی نشر نیماژ منتشر و در کتابفروشی‌های سراسر کشور توزیع شد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی نشر نیماژ، یکی از این چهار کتاب، رمان «نیوتن زیر درخت گردو» نوشته‌ی لیلیا صبحی است.

«نیوتن زیر درخت گردو» روایت فراق خواهرانی دوقلو است که جانشان به هم وابسته بوده است. یکی از آن‌ها در گذشته است و دیگری لایه‌لایه یادداشت‌های باقی‌مانده از او در پی کشف راز زندگی اوست. راز یک عشق صنم می‌خواهد بفهمد خواهر در گذشته‌اش صبا عاشق چه کسی بوده است. این خط روایی محملی می‌شود برای ثبت دقیق و جذاب تجربه‌ی زیست دانشجویی دخترانه در ایران امروز.

لیلیا صبحی که پیش‌تر در رمان‌ها و داستان‌های کوتاه‌اش نشان داده بود قصه‌گوی توانایی است و مایل است که ساختارهایی بدیع

## دبیر انجمن راهنمایان گردشگری خراسان رضوی:

### بیش از ۳۰۰ آژانس مسافرتی در مشهد ورشکست شدند

دبیر انجمن صنفی راهنمایان گردشگری خراسان رضوی افزود که با شیوع کرونا و بسته شدن سفرها داخلی و خارجی و عدم بازگشت هزینه‌های مسافرتی در سال جاری